

بازنگری و کاربست شاخص نیک‌بختی شهری (CPI) با توجه به ویژگی‌های جامعه ایران (مطالعه موردی: شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر منطقه شمال غرب کشور)

مظفر صرافی* - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی
نصیبه هاشمی - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۱۵

چکیده

شهر، سازمان اجتماعی مستقر بر پهنه‌ای طبیعی است که ساکنان آن برای برآوردن بهینه نیازهایشان، مناسبات اجتماعی-اقتصادی برقرار می‌کنند و محیط انسان‌ساختی را برای نیل به توسعه به مفهوم عام به‌گشت زندگی برپا می‌دارند. در فرایند رشد شتابان شهری مشکلاتی بروز می‌کند که معنای حقیقی توسعه نیست. در نتیجه کارشناسان و برنامه‌ریزان، با شاخص‌های مختلف به سنجش توسعه شهری توجه کرده‌اند. این شاخص‌ها اغلب با ماهیت اقتصادی مطرح شدند، اما به دلیل کاستی‌های تقلیل‌گرایانه آن‌ها و اهمیت یافتن دیدگاه‌های پایداری و اجتماع‌محور در سنجش توسعه، شاخص‌های نوینی مدنظر قرار گرفت. برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۱۳، شاخص نیک‌بختی شهری (City Prosperity Index) را معرفی کرد. شهرهای ایران در دهه‌های اخیر با توسعه‌ای شتابان و ناپایدار مواجه بودند. به نظر می‌رسد این مقوله می‌تواند در تحلیل وضعیت و ارائه اولویت‌های مداخله برای رسیدن به توسعه همه‌جانبه یاری‌رسان باشد؛ از این‌رو، پژوهش حاضر بر مبنای شاخص نیک‌بختی شهری، شاخص بازنگری شده‌ای با عنوان نیک‌بختی شهری ایرانی مطرح می‌کند. در این شاخص، با افزودن بعد سلامت که با ارزش‌ها و نیازهای کنونی جامعه شهری ایران متناسب است، توسعه شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر منطقه شمال غرب کشور (سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل) سنجیده می‌شود. برای این منظور، ۶۵ نماگر در ۶ بعد نیک‌بختی شهری ایرانی تدوین شد. سپس سنجش میزان نیک‌بختی با مدل RALSPI صورت گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، نابرابری زیادی میان شهرهای منطقه شمال غرب کشور وجود دارد که به‌استثنای تبریز، بقیه در سطح پایینی قرار دارند. در پایان، اولویت‌های مداخله در هر شهر برای ارتقای سطح توسعه مشخص شده است.

واژه‌های کلیدی: آذربایجان، اردبیل، توسعه شهری ایران، شاخص نیک‌بختی شهری (CPI)، مدل RALSPI.

مقدمه^۱

شهر، سازمانی اجتماعی مستقر بر پهنه‌ای طبیعی است که ساکنان آن برای برآوردن بهینه‌نیازهایشان، مناسبات اجتماعی-اقتصادی برقرار می‌کنند و محیط انسان‌ساختی برای نیل به توسعه به مفهوم عام به‌گشت زندگی برپا می‌دارند. در فرایند رشد شتابان شهری مشکلاتی بروز می‌کند که معنای حقیقی توسعه نیست. در نتیجه سنجش توسعه شهری با شاخص‌های مختلف، مدنظر قرار گرفته است. فرایند شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه به‌طور عام و در ایران به‌طور خاص، تغییرات بسیاری در کالبد فیزیکی شهر و ابعاد مختلف زندگی و در روند رشد شتابان شهری به‌وجود آورده است. با توجه به اینکه هر روز بر جمعیت شهری افزوده می‌شود، چالش‌ها و پیامدهایی بروز می‌یابد. از جمله مصرف بی‌رویه منابع و انرژی، نابرابری‌های اقتصادی، شیوع بالای فقر و زاغه‌نشینی، سطح بالای بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی برابر، زیرساخت‌ها و تسهیلات شهری نامناسب، استانداردهای پایین زندگی شهری، توزیع نامتعادل و ناعادلانه خدمات و امکانات شهری، ناهنجاری‌های اجتماعی، ترافیک سنگین و نداشتن شبکه حمل‌ونقل کارآمد، بروز انواع آلودگی‌های محیطی و تخریب چرخه‌های زیستی و...

به‌منظور رفع این چالش‌ها، ضرورت شناخت و سنجش توسعه شهر در ابعاد مختلف مطرح می‌شود تا هدایت مناسب آن در راستای پایداری، توسعه هماهنگ و عادلانه با تمرکز بر ارتقای رفاه جمعی صورت بگیرد. تحقق این هدف، پژوهشگران و برنامه‌ریزان شهری را بر آن داشته است که با تبیین شاخص‌های مختلف بتوانند میزان رشد و توسعه را به‌طور صحیح بسنجند و توسعه‌ای درخور انسان و تأمین نیازهای او با افزایش کیفیت زندگی و ارتقای رضایت از زندگی فراهم کنند.

در طول دهه‌های متمادی شاخص‌های مختلفی برای سنجش توسعه مطرح شده است. در ابتدا شاخص‌هایی با ماهیت اقتصادی مطرح بود که توسعه را معادل رشد اقتصادی می‌دانست و تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه (GDP) را یکی از شاخص‌های رشد و توسعه مدنظر قرار می‌داد. در گذر زمان به‌دلیل مشکلات ناشی از شاخص‌های درآمد ناخالص ملی، درآمد ناخالص داخلی و رفاه اقتصادی در سنجش توسعه، اقتصاددانان و سازمان ملل بر آن شدند تا شاخص‌های اجتماعی را برای سنجش توسعه به‌کار بگیرند. پس از آن، با شکست سیاست‌های ناشی از تک‌بعدی‌دیدن توسعه، شاخص‌های کمی، مورد تردید و با معرفی شاخص‌های کیفی، انسان محور توسعه قرار گرفت. این ویژگی در شاخص توسعه انسانی بیشتر نمود یافت. پس از مدتی به‌دلیل بروز مسائل زیست‌محیطی و آثار مخرب توسعه بر محیط‌زیست، توسعه پایدار به‌عنوان محور مناظره برمبنای مسائل زیست‌محیطی مطرح شد و توجه به ابعاد عینی و ذهنی توسعه ضرورت یافت. بدین ترتیب شاخص‌های ترکیبی متداول و درنهایت شاخص‌های شادی و نیک‌بختی در دهه‌های اخیر، به‌عنوان جامع شاخص‌های قبل در جهت اهداف متعالی توسعه مدنظر قرار گرفت. اوج این شاخص‌ها در گزارش کلیدی سال ۲۰۱۳ برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد (UN-Habitat) با شاخص ترکیبی «City Prosperity Index» (شاخص نیک‌بختی شهری) به‌عنوان رویکردی یکپارچه در توجه به مسائل توسعه و زندگی شهری با سنجش درخور انسان، متعادل، هماهنگ و پایدار نمود یافت.

شهرهای ایران در دهه‌های اخیر با توسعه‌ای شتابان و ناپایدار مواجه شدند. این مسئله به توسعه شهری ختم نشده و مسائل چشم‌گیری در شهرها بروز یافته است. در این میان، برای رفع مسائل و چالش‌های شهری باید نگاه و ابزار چندجانبه‌ای در نظر گرفته شود تا شهرها به‌سوی توسعه‌ای راستین هدایت شوند. برای تحقق این امر به‌نظر می‌رسد شاخص CPI^۲ مؤثر باشد.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده دوم، با عنوان «سنجش توسعه شهری با شاخص ترکیبی نیک‌بختی شهری به‌منظور برنامه‌ریزی توسعه شهری؛ مورد پژوهی شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر منطقه شمال غرب کشور» به راهنمایی دکتر صرافی است.

2. City Prosperity Index

معرفی شاخص نیک‌بختی شهری از سوی برنامه‌اسکان بشر سازمان ملل متحد (UN-Habitat) با شروع انتخابات شورای شهر سال ۱۳۹۱ در ایران هم‌زمان بود؛ از این‌رو رویکردهای هر مطالعه‌ای باید متناسب با ویژگی‌های جامعه تعریف‌شده تغییر کند و بومی‌سازی شود تا نتایج مطلوب و مدنظر توسعه به‌دست بیاید. این امر به دو دلیل صورت می‌گیرد:

۱. اهمیت انتخابات شوراها و کاربرد شاخص CPI به‌عنوان ابزار قوی سیاست‌گذاری در کمک به شوراها و مقامات شهری برای تعیین زمینه‌ها و سیاست‌های مداخله‌ای در دستیابی به توسعه‌ای متعادل، پایدار و نیک‌بخت؛

۲. هر جامعه‌ای برخاسته از ویژگی‌ها، باورها و فرهنگ منحصربه‌فرد خود است و توسعه آن متناسب با این ویژگی‌ها، با جوامع دیگر متفاوت است.

نگارندگان، شاخص نیک‌بختی شهری (CPI) را در چارچوب فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای بومی کشور ایران بومی‌سازی کرده‌اند. براین‌اساس، پرسش‌های اصلی پژوهش به‌صورت زیر مطرح شده‌اند:

۱. آیا شاخص CPI در شرایط شهر ایرانی که ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد و نظام حکومتی دموکراسی و اسلامی بودن از ویژگی‌های بارز آن محسوب می‌شود، قابل‌سنجش است؟

۲. آیا میان شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر منطقه شمال غرب کشور، از نظر به‌کارگیری شاخص نیک‌بختی شهری (CPI) تفاوتی وجود دارد؟ در این صورت، در چه زمینه‌هایی مداخله صورت می‌گیرد؟

پاسخ به پرسش‌های فوق، سطح نیک‌بختی را در شرایط شهر ایرانی، به‌ویژه شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر منطقه شمال غرب کشور ارزیابی می‌کند.

مبانی نظری

شاخص‌های سنجش توسعه

توسعه، فرایند جامعی از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که هدف آن بهبود شرایط زندگی آحاد جامعه، آزادی، مشارکت و توزیع عادلانه منافع و امکانات است (اتفیلد و باری، ۱۹۹۲). در چارچوب تعاریف و کل‌نگری‌ها می‌توان توسعه را روندی فراگیر برای افزایش توانایی‌های انسانی-اجتماعی، به‌منظور پاسخگویی به نیازهای آن‌ها دانست. ضمن اینکه نیازها در پرتو ارزش‌های فرهنگی جامعه و بینش‌های پایداری جهان پالایش می‌یابند (صرافی، ۱۹۹۲). مهم‌ترین موضوع در تعریف توسعه، محوریت انسان است. آنچه امروزه درباره توسعه مطرح است، مردم‌گرایی، مشارکتی‌بودن و درون‌زایی آن است (آبراهامسون، ۱۹۹۷). تا آنجا که توسعه در حقیقت برای انسان و درمورد انسان مطرح می‌شود (اسکاپ، ۱۹۹۶) و هدف نهایی آن رضایت انسان از زندگی خویش است. در میان تعاریف متعدد توسعه، تفاوت در نماگرها، معیارهای اندازه‌گیری و تشخیص میزان رشد و توسعه تا حدودی قابل‌توجه است. چنان‌که تا سال‌های قبل از ۱۹۵۰ عمده شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه رویکردی کمی داشت و توسعه، بیشتر تحول و تغییر کمی محسوب می‌شد.

مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه در این سال‌ها، تولید ناخالص ملی (GNP) در سال ۱۹۲۰ و تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۱۹۳۷ بود، اما برخی اندیشمندان اقتصادی جایگاه و چارچوبی فراتر از عامل‌های کمی برای مفهوم توسعه قائل شدند و آن را مشمول ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و... دانستند. از دیدگاه آن‌ها، توسعه بیشتر تحولی کیفی است تا کمی؛ از این‌رو شاخص‌های کمی مذکور را مناسب ندانستند و در سال ۱۹۷۰ به مسئله نابودی فقر مطلق با تأکید بر رفع نیازهای اساسی توجه کردند. در این دوره، رفع نیازهای مربوط به خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و بهداشت و... موضوع اصلی راهبرد نیازهای اساسی به‌عنوان راهبرد توسعه بود. بدین‌ترتیب اقتصاددانان با به‌کارگیری برخی شاخص‌های معین (شاخص‌های جانشینی) برای تولید ناخالص داخلی، محرومیت‌ها را ارزیابی کردند و سیاست‌های لازم

را برای کاهش و رفع محرومیت به‌موقع در نظر گرفتند؛ بنابراین، شاخص‌های اجتماعی با اندازه‌گیری سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی یک جامعه، به‌عنوان محور اساسی توسعه مطرح شد (اکبری، ۱۳۷۸).

در سال ۱۹۷۲ پادشاه بوتان^۱ علاوه بر ملاک‌های شاخص اقتصادی مانند GDP و GNP، گسترش میزان شادی را در جامعه برای موفق دانستن توسعه ضروری دانست. وی شاخص Gross National Happiness (GNH) یا شادی ناخالص ملی را که بر چهار اصل محیط سالم، اقتصاد خوب، دولت دموکراتیک و اتکا به فرهنگ مذهبی مثبت استوار است، جایگزین GDP یا تولید ناخالص داخلی کرد. از دیدگاه او به‌جای توجه صرف به تولید ناخالص داخلی یا میزان کالا و خدماتی که در یک کشور تولید شده است، باید عناصری مثل رضایتمندی مردم از زندگی مدنظر قرار بگیرد.

در سال ۱۹۹۰ محبوب‌الحق^۲ مؤسس گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد، هدف توسعه را انسان دانست. آمارتیاسن^۳ نیز یکی از مؤثرترین افرادی بود که در توسعه این ایده نقش زیادی داشت. وی با طرح ایده ظرفیت‌ها و کارکردهای انسانی بیان کرد دستیابی به زندگی بهتر، نیازمند مصرف بیشتر کالاها و خدمات، و ثمره پرورش و رشد استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است؛ بنابراین، گسترش ظرفیت‌های انسانی با آموزش و تحصیلات در کنار درآمد، از عناصر اصلی توسعه انسانی محسوب می‌شود. براین اساس، کشوری که بتواند دانش و آگاهی انسان‌ها را افزایش دهد و راه درست بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی را بیاموزد، توسعه می‌یابد (حسین‌زاده‌دلیر و مالکی، ۲۰۰۶).

در این سال‌ها، اندازه‌گیری و سنجش توسعه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بسط یافت و تا مدت‌ها ملاک مقایسه کشورها در سطوح ملی و بین‌المللی بود، اما به تدریج به دلیل سیاست‌های ناشی از تک‌بعدی‌دیدن توسعه، به‌ویژه در شاخص‌های GDP و GNP مشخص شد این شاخص‌ها معیارهای مناسبی برای سنجش توسعه نیستند. به همین دلیل، بسیاری از اندیشمندان از این شیوه سنجش توسعه انتقاد کردند و معتقد بودند بسیاری از فعالیت‌های تولیدی و مصرفی، آثار زیست‌جانبی محیط‌زیستی و هزینه‌های زیادی دارد که نسل‌های حاضر و آینده باید آن‌ها را پرداخت کنند.

باید توجه داشت که شاخص‌های تولید ناخالص ملی (GNP) و تولید ناخالص داخلی (GDP) رشد پایدار و بلندمدت توسعه را نمایان نمی‌کند؛ زیرا این شاخص‌ها از تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیستی در محاسبات خود چشم‌پوشی می‌کنند. به همین دلیل بازنگری در این شاخص‌ها در کانون توجه بسیاری از دولت‌های جهان به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفت.

با بروز مسائل زیست‌محیطی و آثار مخرب توسعه بر محیط‌زیست، حفظ توازن زیست‌محیطی مبتنی بر ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اولین اجلاس بین‌المللی زمین در ریو در سال ۱۹۹۲ در الگوواره «توسعه پایدار»^۴ مطرح شد. بدین ترتیب ضرورت سنجش توأم توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌منظور برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه پایدار در دستور کار ۲۱ قرار گرفت. با بسط و توسعه این الگو، شاخص‌های ترکیبی متداول شد تا شاخص‌های جامع و فراگیری درباره سنجش یکپارچه توسعه تدوین شود.

توسعه پایدار یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که مدت زیادی برای سنجش توسعه کشورها از آن استفاده شد، اما این رویکرد مانند رویکردهای اقتصادی توسعه و شاخص توسعه انسانی که مدت‌ها مبنای سنجش توسعه‌یافتگی بودند، نتوانست ابعاد مختلف توسعه را تبیین کند؛ زیرا در عمل قادر نبود به تمام ابعاد پایداری پاسخ دهد. در حالت کلی هرکدام از این شاخص‌ها کاستی‌هایی داشتند و تصویر گمراه‌کننده و گاهی اغراق‌آمیز از توسعه ارائه می‌کردند. به همین دلیل صاحب‌نظران، برنامه‌ریزان و سیاستمداران، برای تدوین شاخص‌ها و معیارهای جامع سنجش تلاش‌های زیادی کردند. برای این منظور شاخص‌ها و نماگرهای مختلفی مطرح شد که خلاصه آن‌ها در جدول ۱ آمده است.

1. Bhutan
2. Mahbub ul Hag
3. Amartya Sen
4. Sustainable Development

جدول ۱. شاخص‌های مختلف سنجش توسعه

شاخص	سال طرح	مفهوم	ابعاد
رشد اقتصادی (United States Congress)	GNP (۱۹۲۰) و GDP (۱۹۳۷)	رشد اقتصادی پایدار با افزایش ظرفیت‌های تولیدی و بهبود معیار کارایی	شاخص‌های کمی (GDP و GNP)
توسعه انسانی (HDI) (United Nations Development Programme)	۱۹۹۰	دستیابی به زندگی بهتر با بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی	نرخ باسواد، امید به زندگی و درآمد
توسعه پایدار United Nations Conference on Environment and Development (also known as UNCED or the Earth Summit)	۱۹۹۲	تامین نیازهای زمان حال در عین توجه به سهم و منافع نسل‌های آتی، ممانعت از تهمی‌سازی منابع، حفظ توازن زیست‌محیطی، بهبود کیفیت زندگی و رفع فقر و محرومیت	پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی
شاخص پیشرفت (GPI) (Think-tank Redefining Progress)	۱۹۹۴	افزایش رشد اقتصادی و بهبود آسایش و رفاه مردم به‌عنوان شاخص جایگزین برای GDP	رفاه اقتصادی معمول، توسعه اقتصادی پایدار
توسعه شهری (CDI) Global Urban Indicators Database, Version2	۱۹۹۶	رفاه اقتصادی و دسترسی مطلوب مردم به خدمات و امکانات شهری	زیرساخت‌ها، پسماند، بهداشت، آموزش، بهره‌وری
توسعه پایدار (UNECE, OECD,) (EUROSTAT)	۲۰۰۵	تجدیدنظر در شاخص SDI سال ۱۹۹۲ با هدف رفاه اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اصول مرتبط با حکمرانی خوب	توسعه اجتماعی-اقتصادی، تولید و صرف پایدار، سرمایه اجتماعی، تغییرات جمعیتی، سلامت عمومی، انرژی و تغییرات آب‌وهوا، حمل‌ونقل پایدار، منابع طبیعی، مشارکت جهانی
نیک‌بختی (Regional Research Institute,) (USA)	۲۰۰۶	بهبود و توسعه اقتصادی منطقه به‌منظور شناسایی فرصت‌ها و ارزیابی رقابت‌پذیری	تجارت، مردم و مکان
رفاه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی (Commission on the measurement of economic performance and social progress, France)	۲۰۰۸	تغییر سنجش رفاه مردم از تولید اقتصادی به سنجش، براساس درآمد و صرف، به عبارتی سنجش رفاه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی بدون اندازه‌گیری GDP	شرایط مادی زندگی، کیفیت زندگی و پایداری
نیک‌بختی (Legatum Institute, UK)	۲۰۰۸	افزایش رضایت از زندگی با افزایش رفاه اقتصادی و کیفیت زندگی	رفاه اقتصادی و قابلیت زندگی
نیک‌بختی (UN Sustainable) (Development Commission)	۲۰۰۹	تعریف مجدد نیک‌بختی با هدف پایداری در رفاه	نیازهای مادی، ابعاد اجتماعی و روانی و توانایی‌های فردی
رفاه ملی (New Economics) (Foundation, UK)	۲۰۰۹	توسعه اجتماعی با تأکید بر بعد ذهنی رفاه	رفاه شخصی (احساس خوب بودن، رضایت از زندگی، نشاط، انعطاف‌پذیری، اعتمادبه‌نفس) و رفاه اجتماعی (روابط حمایتی، اعتماد و تعلق)
رقابت‌پذیری جهانی (GCI) (Foreign Policy Magazine,) Kearney and Chicago (Council on Global Affairs)	۲۰۱۰	ارزیابی رقابت‌پذیری با نگاهی عمل‌گرا و دقیق براساس سه رکن نهادمحوری، کارایی محوری و خلاقیت محوری	کسب‌وکار، فعالیت، سرمایه انسانی، تبادل اطلاعات و تعهد سیاسی
توسعه پایدار (Department for) Environment, Food and (Rural Affairs)	۲۰۱۰	تجدیدنظر مجدد در توسعه پایدار سال‌های قبل با هدف توانمندسازی مردم برای رفع نیازهای اولیه و دستیابی به کیفیت زندگی بهتر، بدون به‌مخاطره‌انداختن کیفیت زندگی نسل‌های آینده	تولید و مصرف پایدار، تغییر آب‌وهوا و انرژی، حفاظت از منابع طبیعی و بهبود محیط‌زیست
نیک‌بختی (CPI) (UN- Habitat)	۲۰۱۳	پاسخ به پیامدها و چالش‌های رشد شتابان شهری، دستیابی به توسعه‌ای متوازن و هماهنگ، افزایش رضایت شهروندان با هدف به‌گشت کیفیت زندگی همگان، تحقق شهر خوب، پایدار و نیک‌بخت	۵ بعد بهره‌وری، توسعه زیرساخت، کیفیت زندگی، برابری و عدالت و پایداری زیست‌محیطی

اصلی‌ترین چالش در سنجش سطح توسعه، چگونگی دست‌یافتن به توسعه‌ای هماهنگ، پایدار و عادلانه با تمرکز بر ارتقای رفاه جمعی است. برای این منظور شاخصی نیاز است تا در کنار جامع و فراگیر بودن بتواند نتایج نهایی توسعه را که به‌گشت کیفیت زندگی، رضایت و نشاط و به عبارت کلی نیک‌بختی است، برای کل جامعه به ارمغان بیاورد؛ از این‌رو ضمن پذیرش ناکافی بودن رویکردهای مختلف در تحقق معنای راستین توسعه، برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد (Un-Habitat) ضرورت سنجش گسترده‌تر رفاه اجتماعی و انسانی را با معرفی رویکرد «City Prosperity Index» (شاخص نیک‌بختی شهری) در گزارش سال ۲۰۱۳ خود ارائه کرد که در ادامه به‌تفصیل شرح داده می‌شود.

شاخص نیک‌بختی شهری (CPI)

ناپایداری توسعه‌های کنونی، شهرها را با چالش‌ها و مسائل گوناگونی مواجه می‌کند که در صورت رفع‌نشدن، مخاطرات و آسیب‌های جدی به تمام بخش‌های شهرها وارد می‌شود. این چالش‌ها عبارت‌اند از: افزایش جمعیت و مصرف بی‌رویه منابع و انرژی، نابرابری‌های اقتصادی، شیوع بالای فقر و زاغه‌نشینی، سطح بالای بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی برابر، زیرساخت‌ها و تسهیلات شهری نامناسب، استانداردهای پایین زندگی شهری، توزیع نامتعادل و ناعادلانه خدمات و امکانات شهری، ناهنجاری‌های اجتماعی، ترافیک سنگین و نداشتن شبکه حمل‌ونقل کارآمد، بروز انواع آلودگی‌های محیطی و تخریب چرخه‌های زیستی و ...

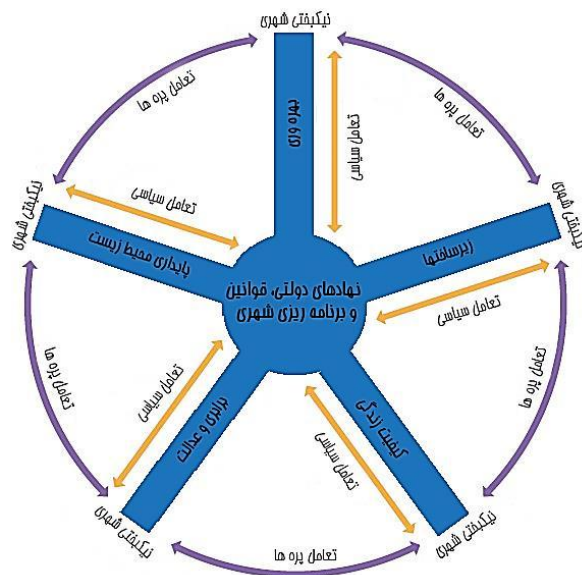
پاسخ به این چالش‌ها، به نوع دیگری از توسعه نیاز دارد که خواه‌ناخواه کالبد و عملکردی متفاوت را داشته باشد؛ توسعه‌ای که در مفهوم وسیع آن، همراه با بهبود کیفیت همه ابعاد زندگی باشد؛ یعنی چیزی بیش از افزایش درآمد، آموزش بهتر، بهبود استانداردهای بهداشتی و تغذیه، کاهش فقر، محیط‌زیست بهتر و برابری اجتماعی و اقتصادی در برخورداری از امکانات و فرصت‌ها، آزادی بیشتر و زندگی اجتماعی-فرهنگی غنی.

به کمک این توسعه باید بتوان ضمن مواجهه با چالش‌های شهرهای کنونی، زمینه‌های لازم را برای برنامه‌ریزی مطلوب توسعه شهری و هدایت به توسعه‌ای متوازن، پایدار و مردم‌محور ایجاد کرد. براین‌اساس، برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد (Un-Habitat) در گزارش سال ۲۰۱۳، شاخص نیک‌بختی شهری (CPI) را به‌عنوان رویکردی بانفوذ در تکمیل شاخص‌های قبلی مطرح کرد که هم‌سو با مفهوم مثبت و چندبعدی توسعه است. همچنین به چالش‌های مذکور پاسخ می‌دهد و هدف آن ایجاد شرایط مطلوب زندگی و تحول به نفع همه مردم است.

شاخص نیک‌بختی شهری (CPI) مفهوم متمایز و قدرتمند توسعه است که در صورت استفاده صحیح، نقشی محوری و تعیین‌کننده در چارچوب‌های برنامه‌ریزی شهری، نهادی، قانونی و نظارتی برای توسعه مردم‌محور، متوازن و پایدار خواهد داشت. باید توجه داشت که نیک‌بختی شهری با متعادل و هماهنگ کردن توسعه، محیطی از انصاف و عدالت را در شهرها به‌وجود می‌آورد؛ از این‌رو شاخص فوق ابزار آماری جدیدی برای اندازه‌گیری پیشرفت حال و آینده شهرها به‌سوی نیک‌بختی شهری است که می‌تواند تصمیم‌گیرندگان را در مداخلات روشن جهت هدایت شهرها به‌سوی توسعه متعادل و هماهنگ یاری کند.

شاخص CPI نه‌تنها به چالش‌های شهری پاسخ می‌دهد، بلکه با مطرح کردن تدابیر حفاظتی، شهرها را از خطرات جدید حرکت به‌سوی رفاه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی مصون می‌دارد. رویکرد نیک‌بختی شهری به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری قوی می‌تواند تعیین کند عملکرد شهرها در چه جنبه‌هایی خوب و در چه جنبه‌هایی ضعیف است. براین‌اساس، کمبودها و زمینه‌های مداخله را شناسایی، و سیاست‌های مداخله‌ای مناسبی را برای رفع آن‌ها مطرح می‌کند. این شاخص با هدف به‌گشت کیفیت زندگی تمامی افراد، و تحقق شهر خوب، پایدار و نیک‌بخت، به‌صورت چرخه‌ای متعادل و در چارچوبی منسجم، در ۵ بعد بهره‌وری، توسعه زیرساخت، کیفیت زندگی، برابری و عدالت و پایداری

زیست‌محیطی ارائه شده است. در شکل ۱، ابعاد شاخص نیک‌بختی شهری در یک چرخه نشان داده می‌شود که ویژگی‌های هر یک در جدول ۲ آمده است (برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳).



شکل ۱. چرخه ابعاد نیک‌بختی

منبع: برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳

شاخص CPI عاملان قدرت شهری را در مرکز دستیابی به نیک‌بختی قرار می‌دهد تا به‌عنوان مرکز قدرت و اتخاذ سیاست‌های نوآورانه میان ۵ پره (پنج بعد نیک‌بختی) وابسته به هم، تعادل و هم‌بستگی ایجاد کنند. این عاملان ممکن است مقامات دولتی، قوانین و مقررات، نهادهای دولتی، برنامه‌ریزی شهری، جامعه مدنی، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های خاص و... باشند. کمتر شهری است که هر ۵ بعد نیک‌بختی در آن، متعادل باشد؛ از این رو به سیاست‌های مداخله برای ایجاد تعادل میان ۵ بعد نیک‌بختی نیاز است.

چرخه نیک‌بختی بر توسعه متعادل با ۵ بعد نیک‌بختی دلالت دارد که هر یک از آن‌ها پره‌های چرخه محسوب می‌شوند. لبه بیرونی چرخه، نیروهای فزاینده‌ای را جذب می‌کند که به‌وسیله ۵ پره از درون چرخه منتقل می‌شوند و شهر را به مسیر نیک‌بختی هدایت می‌کنند. همچنین با هم تعامل دارند و بر هم تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان مثال، توسعه زیرساخت‌ها در شهر، توسعه اقتصادی و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب بهره‌وری بیشتر می‌شود و حفاظت از محیط‌زیست مدنظر قرار می‌گیرد. همچنین ارتباطات و تأثیرات درونی میان پره‌ها می‌تواند در مرکز چرخه، درست در نقطه‌ای که سیاست‌ها تعیین می‌شوند، صورت بگیرد (همان).

در ادامه، مفهوم تعریف نیک‌بختی شهری از نظر UN-Habitat بیان می‌شود:

- شهر نیک‌بخت با بهره‌وری، تولید درآمد و اشتغال، به رشد اقتصادی کمک می‌کند. در نتیجه استطاعت لازم برای برخورداری از استانداردهای کافی زندگی برای همه مردم ایجاد می‌شود.
- شهر نیک‌بخت، زیرساخت‌ها، امکانات و تسهیلات فیزیکی از جمله آب سالم، زه‌کشی فاضلاب، عرضه برق، شبکه جاده‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات و... را ارائه می‌کند که برای حفظ جمعیت و اقتصاد مدنظر است.
- شهر نیک‌بخت خدمات اجتماعی از جمله آموزش، بهداشت، ایمنی و امنیت و... را که برای بهبود استانداردهای زندگی ضروری است، فراهم می‌کند. همچنین استعدادهای فردی و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد.

- هر شهر زمانی نیک‌بخت است که فقر و نابرابری در آن به حداقل برسد. به عبارت دیگر، نمی‌توان گفت شهری که بخش عظیمی از جمعیت آن در فقر مطلق و محرومیت زندگی می‌کنند، نیک‌بخت است. در واقع، شهر نیک‌بخت شامل کاهش زاغه‌نشینی و اشکال جدید فقر است.
- ایجاد و بازتوزیع فواید نیک‌بختی آسیبی به محیط‌زیست نمی‌زند، بلکه سبب می‌شود دارایی‌های طبیعی به‌منظور شهرسازی پایدار حفظ شوند (همان).

جدول ۲. ابعاد شاخص نیک‌بختی شهری

ابعاد	ویژگی‌ها	نماگرها
بهره‌وری	کمک به رشد و توسعه اقتصادی، درآمدزایی، شغل مناسب و فرصت‌های برابر برای همه مردم	در این بعد ماحصل کالاها و خدماتی (ارزش‌افزوده) که نیروی انسانی یک شهر در طول سالی معین تولید کرده است، با متغیرهایی از جمله میزان سرمایه‌گذاری، اشتغال رسمی/ غیررسمی، تورم، تجارت، پس‌انداز، صادرات/ واردات و میزان هزینه و درآمد خانوار نشان داده می‌شود.
توسعه زیرساخت	فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب آب، فاضلاب، شبکه جاده‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌منظور بهبود استانداردهای زندگی شهری	این شاخص ترکیبی از دو زیرشاخص زیرساخت‌های مربوط به مسکن و زیرساخت‌های جاده‌ای است.
کیفیت زندگی	فراهم کردن خدمات اجتماعی مطلوب برای بهبود استانداردهای زندگی و تضمین ایمنی و امنیت	این شاخص ترکیبی از ۳ زیرشاخص آموزش، بهداشت و فضاهای عمومی فرهنگی است.
برابری و عدالت اجتماعی	توزیع عادلانه منابع، کاهش فقر و محله‌های فقیرنشین، حفاظت از حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر، افزایش برابری جنسیتی و مشارکت اجتماعی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی	این بعد ترکیبی از متغیرهای هزینه و درآمد (ضریب جینی) و نابرابری در دسترسی به خدمات و زیرساخت‌هاست.
پایداری زیست محیطی	حفاظت از محیط‌زیست و دارایی‌های طبیعی، تضمین رشد و انرژی کارآمد، کاهش فشار بر زمین و منابع طبیعی، کاهش زیان‌های زیست‌محیطی با افزایش راه‌حل‌های خلاق و ارتقای کیفیت محیط‌زیست	این بعد شامل ۳ زیرشاخص کیفیت هوا (میزان PM10، CO2)، تولید گازهای گلخانه‌ای و آلودگی‌های درونی محیط است.

منبع: برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳

بازنگری شاخص نیک‌بختی شهری با ویژگی‌های جامعه ایران

بازنگری از شیوه بومی‌سازی آغاز می‌شود و هر جامعه‌ای برخاسته از ویژگی‌ها، باورها و فرهنگ منحصر به فرد خود است. از آنجا که مفهوم توسعه، جنبه ارزشی دارد و ارزش‌های هر جامعه به شرایط و مقتضیات خاص آن وابسته است، هیچ الگوی جهان‌شمولی برای سنجش این ارزش‌ها وجود ندارد؛ بنابراین، الگوی توسعه، از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. براین اساس رویکردهای هر مطالعه‌ای باید متناسب با ویژگی‌های جامعه‌ای که تعریف می‌شود، بازنگری و بومی‌سازی شوند تا بتوان به نتایج مثبت، مطلوب و مدنظر توسعه دست یافت.

جامعه ایران مانند هر جامعه دیگری ویژگی‌های خاص خود را دارد که آن را از سایر جوامع جهان متمایز می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها، اسلامی بودن و نظام حکومتی دموکراسی در اداره امور است که با هم ارتباط دارند. رقابت‌های انتخاباتی عادلانه و ارکان اساسی آزادی بیان و اندیشه سیاسی، از اصلی‌ترین روندهای دموکراسی بودن نظام حکومتی کشور است. اسلامی بودن کشور نیز تنها در بعد مذهب و معنویت خلاصه نمی‌شود، بلکه در زیبایی‌شناسی، معنای زندگی و مسائل دیگری مانند تعامل با طبیعت، نگرش‌های خاصی دارد.

عنوان شهر اسلامی برخاسته از ضرورت و نیاز راهبردی است. ساختن شهرها، نحوه اداره کردن آن‌ها و تعامل انسان‌ها با یکدیگر از منظر اسلام، مجموعه‌ای واحد، پویا، هماهنگ و معناداری است که غایت آن رشد و تعالی انسان، و پیدایش زیستگاهی براساس فطرت انسان‌ها و در خدمت شکوفایی آن‌هاست. شهر اسلامی شهری نیست که تنها

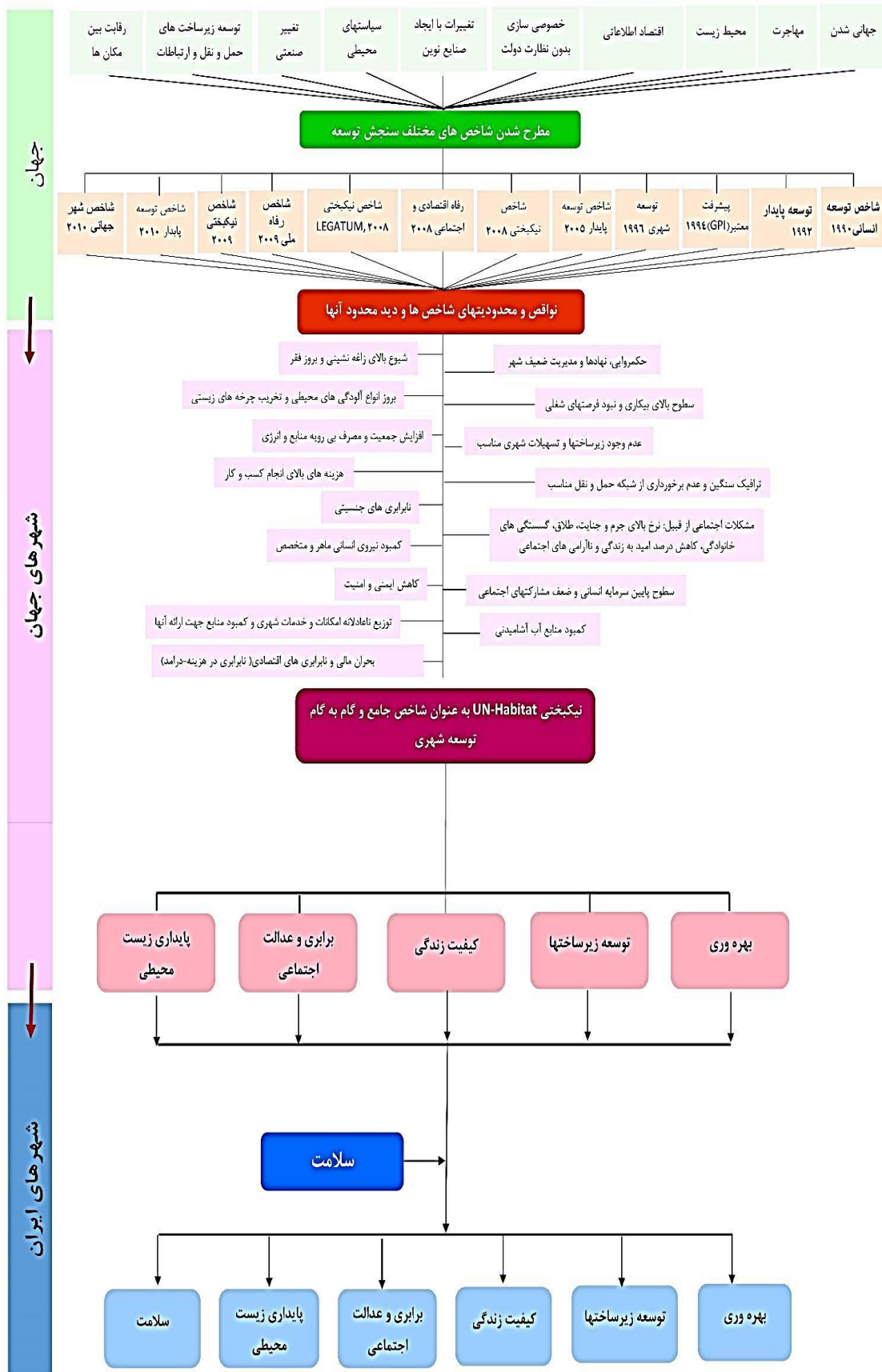
نمادهای مذهبی در آن وجود داشته باشد. همچنین دستاوردهای بشر به‌ویژه در بخش صنعت به حاشیه برود و به سنت صرف بازگشت شود. بلکه این شهر، به‌دنبال انتظام و تعادل میان مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده جامعه شهری و ایجاد توازن و هماهنگی در عموم ساختارها، رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های افراد و سامانه‌های شهری است تا در سایه تعالیم آسمانی، آرامش و آسایش توأم با تعامل طبیعت، شکوفاترین شهروندان را در زیستگاهی نیک‌بخت و خدامحور تربیت کند. شهر اسلامی شهری سالم است که سلامت را در همه ابعاد روحی، روانی، معنوی، جسمی و بیولوژیکی برای شهروندان، همراه با تأمین برابری و عدالت در محیط زندگی مدنظر دارد.

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، شهر اسلامی محیطی معتدل و بر پایه عدالت است که در آن آرامش روحی و روانی مردم، توأم با حفظ سلامت جسمی و رفاه مادی شهروندان است. در این شهر، ضروری است به عدالت در تقسیم خدمات شهری، تأمین آرامش روحی و امنیت معنوی، حفظ طبیعت، عمران و آبادی و زیبایی توجه شود. به عبارت دیگر شهر اسلامی، شهری سالم است که در آن مردم از هر نظر احساس امنیت می‌کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸). در این میان، جنبه‌های فرهنگی با تأکید بیشتر بر ارزش‌های روحی، روانی و معنوی شهروندان در درک بعد ذهنی توسعه، تأثیر بسزایی دارد و نیازمند توجه بیشتر است. این ویژگی در جامعه ایرانی نمود بیشتری دارد و ارزش‌های روانی و معنوی زندگی شهروندان با تأکید بیشتری در آن مطرح می‌شود. براین اساس، شاخص CPI با وجود جامعیت خود در ابعاد مختلف زندگی شهری، توسعه کافی در زمینه بعد ذهنی ندارد و با جامعیت لازم همراه نیست؛ از این‌رو جنبه‌های سلامت روانی و آرامش اجتماعی زندگی شهروندان در میان ۵ بعد نیک‌بختی دیده نمی‌شود و ضرورت بومی‌سازی و انطباق شاخص با شرایط جامعه ایرانی مطرح می‌شود. در بازنگری شاخص نیک‌بختی، بعد «سلامت» به‌عنوان بعد ششم در تکمیل ابعاد نیک‌بختی و رفع خلأ ارزش‌های روانی و معنوی زندگی شهری به مجموعه ابعاد افزوده شد. بدین ترتیب با بومی‌سازی شاخص CPI، شاخص ICPI (نیک‌بختی شهری ایرانی)^۱ شکل گرفت.

هر شهری زمانی نیک‌بخت خواهد بود که این ویژگی را در ابعاد بهره‌وری، زیرساخت، کیفیت زندگی، برابری و عدالت، و پایداری زیست‌محیطی ایجاد کند و به‌ویژه در ابعاد معنوی و روانی سلامت شهری از سلامت برخوردار باشد و بستر سلامت شهروندان را فراهم کند. به عبارت دیگر، لازمه نیک‌بختی یک شهر، سرزنده و بانشاط بودن آن در تمامی ابعاد است؛ بنابراین، سلامت معنوی و سلامت روانی نماگرهای بعد سلامت در رویکرد ICPI هستند. در ادامه، چارچوب نظری پژوهش در نمودار ۱ ارائه شده است.

روش پژوهش

در پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر، شاخص CPI در گزارش کلیدی سال ۲۰۱۳ برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد (UN-Habitat) تبیین شد. همچنین ضمن تعریف ابعاد، نماگرها و تحلیل متغیرهای این برنامه در چارچوب فرهنگ، هنجارها و باورهای بومی جامعه ایران، شاخص نیک‌بختی شهری ایرانی شکل گرفت. سپس سطح نیک‌بختی، در شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر منطقه شمال غرب کشور (اردبیل (استان اردبیل)، تبریز، مراغه، مرند (استان آذربایجان شرقی)، ارومیه، خوی، بوکان، مهاباد و میاندوآب (استان آذربایجان غربی)) با استناد به آمار سال ۱۳۹۰ سنجیده شد.



نمودار ۱. چارچوب نظری پژوهش

منبع: نگارندگان

برای تعیین سطوح نیک‌بختی شهرهای مورد پژوهش، تحلیل و ارزیابی آن‌ها، همچنین ارائه سیاست‌های مداخله، روش‌های تصمیم‌گیری چندم‌تغیره^۱ MCDM به کار رفت. از این میان، برخی روش‌ها مانند تاکسونومی عددی، مورس، تاپسیس و... برای ارزیابی و رتبه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌ها مقبولیت عام یافت و بارها از آن‌ها استفاده شد. نقایص و محدودیت‌های این روش‌ها در سنجش سطح توسعه‌یافتگی بسیار قابل توجه است و به نظر می‌رسد نوعی اغتشاش و سردرگمی در استفاده از این مدل‌ها و روش‌ها وجود دارد. به‌تازگی دکتر تقوایی و دکتر شیخ‌بیگللو، با تأکید بر نقایص مهم این روش‌ها و تلاش برای رفع آن‌ها، مدل جدیدی را به نام RALSPI^۲ ابداع و معرفی کردند (تقوایی، شیخ‌بیگللو، ۱۳۹۱). روش RALSPI به‌عنوان روش بهتر و کارا تر قلمداد شد و فرایند ارزیابی سطح نیک‌بختی شهرها در این پژوهش با استفاده از این مدل صورت گرفت.

داده‌های مورد استفاده در پژوهش عمدتاً با مطالعات کتابخانه‌ای به‌دست آمده است. بدین‌صورت که منابع موثق آماری شامل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، سالنامه‌های آماری این سال است. به‌دلیل کمبود اطلاعات در مقیاس شهری در منابع مذکور، استخراج بخشی از داده‌های موردنیاز به‌صورت پیمایشی و مراجعه حضوری به مرکز آمار ایران و دستگاه‌های اجرایی هر ۳ استان مذکور صورت گرفت. شایان ذکر است همه داده‌های موردنیاز به‌صورت مثبت به‌کار گرفته شده‌اند. در مجموع ۶۵ نماگر در ۶ بعد شاخص ICPI (بهره‌وری، زیرساخت، کیفیت زندگی، برابری و عدالت، پایداری زیست‌محیطی و سلامت) برای تعیین میزان نیک‌بختی شهرهای مذکور استخراج، سپس وزن آن‌ها با استفاده از روش بردار ویژه (AHP)^۳ محاسبه شد. درنهایت تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Excel صورت گرفت.

نماگرهای شاخص نیک‌بختی در محدوده مورد مطالعه

با توجه به اهمیت شناخت توسعه شهرها به‌عنوان مرحله زیربنایی و آغازین برنامه‌ریزی‌های آتی، پژوهش حاضر به سنجش توسعه شهرها با شاخص نیک‌بختی شهری پرداخت تا برنامه‌ریزی برای توسعه در نیل به نیک‌بختی کامل و بسیار قوی صورت بگیرد؛ از این‌رو پس از بازنگری و بومی‌سازی شاخص نیک‌بختی شهری (CPI) و افزودن بعد سلامت به‌عنوان بعد ششم به آن، شاخص نیک‌بختی شهری ایرانی (ICPI) مطرح شد. همچنین به‌دلیل کمبود بسیاری از اطلاعات در مقیاس شهر، نماگرهای جایگزین به کار رفت. در بعد جدید سلامت، دو زیرشاخص سلامت معنوی و روانی مدنظر قرار گرفت و برای هر یک نماگرهایی تعریف شد، اما به‌دلیل دسترسی‌نداشتن به برخی داده‌ها و محرمانه‌بودن آن‌ها مانند میزان خودکشی و درصد افراد مبتلا به افسردگی حاد و... به ۱۵ نماگر در بخش سلامت بسنده شد. مجموعه ابعاد و نماگرها در جدول ۳ آمده است.

قلمرو و محدوده مورد مطالعه

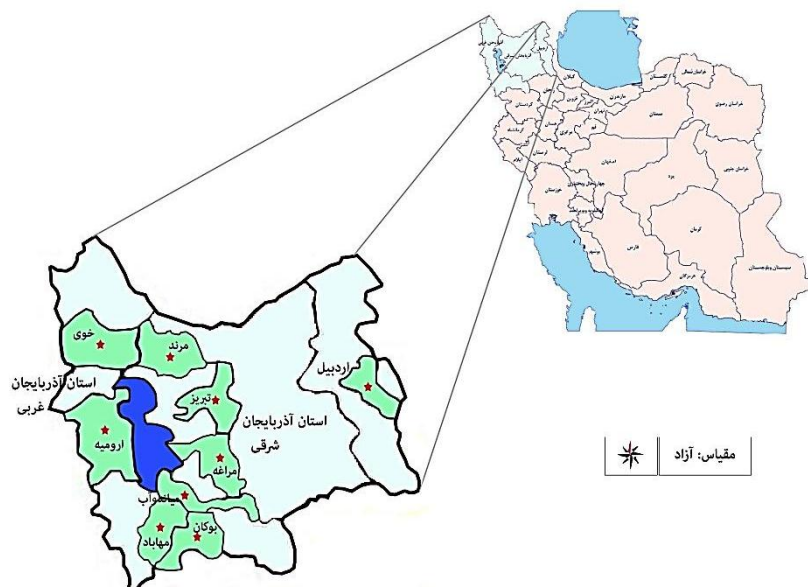
جامعه آماری پژوهش شامل شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر منطقه شمال غرب کشور با استناد به آمار سال ۱۳۹۰ است. از دلایل ضرورت توجه به سنجش توسعه‌یافتگی شهرهای این منطقه از کشور با شاخص نیک‌بختی شهری می‌توان به رشد و توسعه شهرهای این منطقه در چند سال اخیر، موقعیت آن‌ها در ساختار سیاسی، اقتصادی و ارتباطی، و هم‌جواری با کشورهای همسایه با ارائه الگویی از شهر ایرانی-اسلامی نیک‌بخت در جهان اشاره کرد. هم‌جواری و اشتراکات اقلیمی،

1. Multiple Criteria Decision Making
2. Ranking Alternatives by Limiting Substitution Possibilities of Indicators
3. Analytical Hierarchy Process

قومی، شرایط جغرافیایی و برخورداری از منابع طبیعی مشترک عامل بعدی در انتخاب شهرهای این ۳ استان به‌شمار می‌آید. به دلیل حادث‌بودن مسائل توسعه شهرهای بزرگ و امکان دستیابی به اطلاعات آن‌ها، توجه به این شهرها در اولویت است. براین اساس، شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی (شامل شهرهای اردبیل؛ تبریز، مراغه و مرند؛ ارومیه، خوی، بوکان، مهاباد و میاندوآب) به‌عنوان جامعه آماری مورد پژوهش انتخاب شدند. موقعیت شهرهای پژوهش در منطقه و منطقه در کشور در نقشه ۱ نشان داده شده است.

جدول ۳. شاخص نیک‌بختی شهری مدل ایرانی، ابعاد و نماگرها

بعد	نماگرها
بهره‌وری	نرخ فعالیت، نرخ اشتغال، درصد شاغلان باسواد به کل شاغلان، درصد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر، نسبت فرصت‌های شغلی اعلام‌شده به متقاضیان ثبت‌شده کار، سرانه سپرده‌های بانکی، معکوس بار تکفل، معکوس نرخ بیکاری، معکوس نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۳۰ ساله
زیرساخت	حرکت و جابه‌جایی درصد مسافران جابه‌جاشده به وسیله حمل‌ونقل عمومی به کل مسافر جابه‌جاشده مسکن درصد جمعیت برخوردار از زیرساخت‌های آب، برق، گاز، فاضلاب، تلفن و اینترنت، درصد مساکن بادوام (اسکلت فلزی یا بتن آرمه)
کیفیت زندگی	آموزشی سرانه فضای آموزشی، درصد باسوادی، درصد جمعیت با تحصیلات عالی به کل جمعیت باسواد، درصد جمعیت در حال تحصیل، نسبت معلم به دانش‌آموز بهداشتی سرانه فضای بهداشتی-درمانی، تعداد مؤسسات بهداشتی-درمانی با توجه به ۱۰۰۰ نفر، تعداد تخت بیمارستانی، آزمایشگاه و پرتونگاری، تعداد داروخانه با توجه به ۱۰۰۰ نفر، تعداد پزشک متخصص با توجه به ۱۰۰۰ نفر، درصد امید به زندگی در بدو تولد، درصد مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال در ۱۰۰ هزار تولد، معکوس درصد افراد مبتلا به ویروس HIV/IDS
برابری و عدالت	فضاهای عمومی فرهنگی تفریحی سرانه پارک و فضای سبز، سرانه فضای فرهنگی-تفریحی، نسبت تعداد سالن‌های وابسته به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی به ۱۰۰۰۰ نفر، سرانه فضای ورزشی درصد واحدهای مسکونی برخوردار از همه تسهیلات و امکانات (آب لوله‌کشی، برق، گاز، تلفن ثابت)، درصد خانوار برخوردار از مالکیت شخصی واحد مسکونی، درصد برابری جنسیتی (درصد ورودی به دانشگاه‌ها به تفکیک جنس، درصد فارغ‌التحصیلان زن و مرد، نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی (انتخابات و نمایندگان مجلس)، نسبت دختران در سن تحصیل که تحصیل نمی‌کنند).
پایداری زیست‌محیطی	کیفیت هوا (درصد روزهایی با AQI کمتر از ۱۰۰)، درصد جمعیت برخوردار از شبکه فاضلاب، معکوس سرانه تولید زباله، معکوس نرخ مالکیت خودرو، درصد زباله‌های بازیافت‌شده به کل تولید زباله، تعداد خودروهای حمل زباله به ۱۰۰۰ نفر
سلامت	سلامت معنوی میزان مشارکت مردم در انتخابات کشور، میزان برابری و عدالت اجتماعی (زیرشاخص‌های مربوط به بعد برابری در فوق)، معکوس درصد افراد مبتلا به اختلالات روانی شدید، معکوس میزان ارتکاب جرم و بزهکاری، درصد جمعیت شرکت‌کننده در برنامه‌های فرهنگی-هنری، تعداد مؤسسات فرهنگی-هنری به ۱۰۰۰ نفر، سرانه فضای مذهبی، تعداد هیئت‌های مذهبی و کانون‌های فرهنگی-قرآنی به ۱۰۰۰ نفر
سلامت روانی	سلامت روانی معکوس درصد طلاق به جمعیت حداقل یک‌بار ازدواج‌کرده، معکوس نسبت تصادفات درون‌شهری (منجر به فوت، جرح، خسارت) به میزان کشوری، معکوس درصد تخلفات رانندگی منجر به جریمه از کل تخلفات، درصد شعبه‌های فعال دادگاه، دادسرا و شورای حل اختلاف به ۱۰۰۰۰۰ نفر، تعداد کلانتری‌ها، درصد تعداد مراکز پلیس +۱۰ به ۱۰۰۰ نفر، درصد تعداد آتش‌نشانی به ۵۰۰۰۰ نفر، درصد افراد تحت پوشش خدمات بیمه تأمین اجتماعی



نقشه ۱. موقعیت شهرهای مورد مطالعه در کشور و منطقه شمال غرب

بحث و یافته‌ها

ارزیابی سطح نیک‌بختی شهرهای مورد پژوهش با استفاده از روش RALSPI

به‌منظور سطح‌بندی نیک‌بختی شهرهای مورد مطالعه با مدل RALSPI، در مرحله نخست به مقیاس‌سازی مقادیر شاخص‌ها نیاز بود که در پژوهش حاضر از این روش فازی استفاده شد. در مرحله بعد، برای هریک از نماگرهای نیک‌بختی شهری ایرانی، $2n+1$ گروه توسعه تعریف شد و تعیین حداکثر و حداقل امتیاز ممکن گروه‌های مختلف به تفکیک هر ۶ نماگر صورت گرفت. وزن متغیرهای هر نماگر با استفاده از روش بردار ویژه (AHP) محاسبه شد. سپس از حاصل تقسیم مجموع وزن متغیرها بر حداکثر امتیاز ممکن گروه مربوطه، و ضرب در حداقل ممکن امتیاز گروه بالاتر، میزان هر ۶ نماگر نیک‌بختی شهری ایرانی به تفکیک شهرهای مورد پژوهش تعیین و در نهایت با محاسبه مجموع امتیاز ۶ نماگر، میزان ICPI برای هریک از شهرها ارائه شد. بدین ترتیب می‌توان میزان نیک‌بختی هریک از آن‌ها را تعیین کرد. نتایج پژوهش در جدول ۴ آمده است. نمودار و شکل گرافیکی ۲ نیز میزان نیک‌بختی شهرهای پژوهش را بر مبنای امتیاز هر ۶ نماگر و میزان ICPI نهایی به تفکیک شهرها به‌وضوح نشان می‌دهد؛ بنابراین، به‌سهولت می‌توان زمینه‌های مداخله در دستیابی به نیک‌بختی کامل (نیک‌بختی در ۶ بعد) را در شهرهای مورد پژوهش شناسایی کرد و سیاست‌گذاری و اقدامات لازم را به‌کار گرفت.

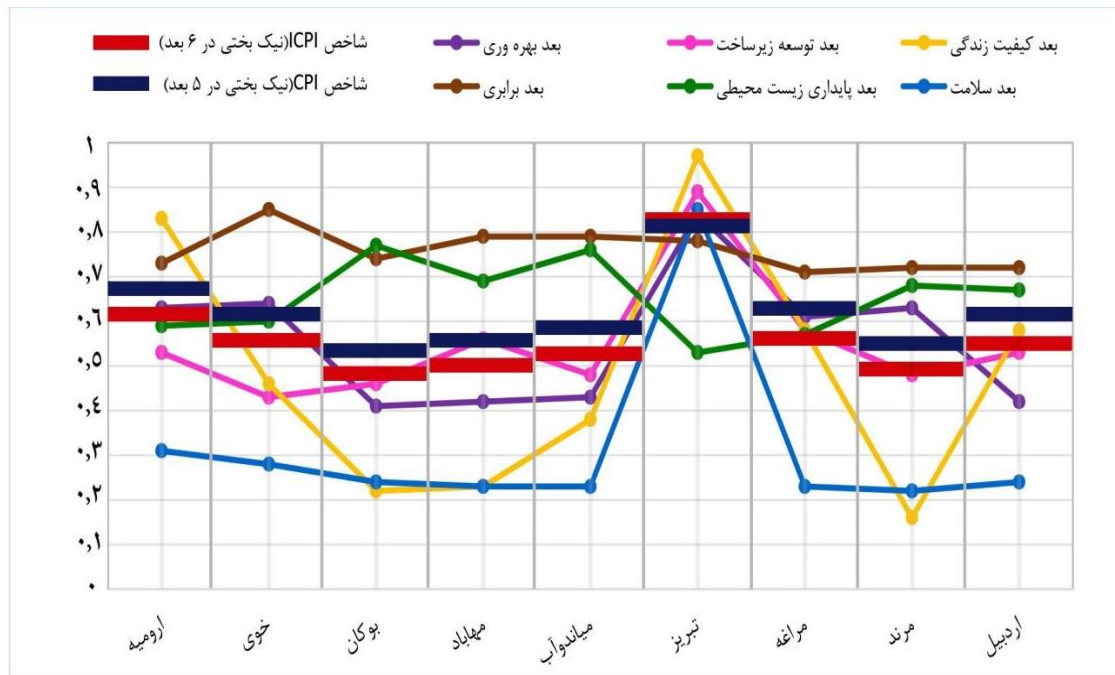
رادار چارت گرافیکی نشان می‌دهد که در کدام مناطق به سیاست‌های مداخله‌ای نیاز است. برای مثال، در میان ۳ مرکز استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل، شهر تبریز در ۵ بعد بهره‌وری، توسعه زیرساخت، کیفیت زندگی، برابری و سلامت عملکرد خوبی دارد، اما بعد پایداری زیست‌محیطی، نقطه ضعیف در الگوی متعادل نیک‌بختی شهری آن است. در شهر ارومیه وضعیت متفاوت است؛ به‌طوری‌که عملکرد آن در بعد کیفیت زندگی مطلوب، در ابعاد بهره‌وری، برابری و پایداری زیست‌محیطی متوسط، و در ابعاد زیرساخت و سلامت ضعیف است، اما در مقایسه با تبریز در سطح پایین نیک‌بختی شهری قرار دارد. شهر اردبیل نیز در ابعاد پایداری زیست‌محیطی و برابری عملکرد مطلوبی دارد و ۴ بعد دیگر برای شکل‌گیری نیک‌بختی شهر کافی نیست.

جدول ۴. امتیاز ۶ شاخص ترکیبی نیک‌بختی شهری ایرانی با مدل RALSPI

شهرها	نماگرها	بهره‌وری	زیرساخت	کیفیت زندگی	برابری و عدالت	پایداری زیست محیطی	سلامت	رتبه CPI
آذربایجان غربی	ارومیه	۰/۶۳	۰/۵۳	۰/۸۳	۰/۷۳	۰/۵۹	۰/۳۱	۰/۶۰
	خوی	۰/۶۴	۰/۴۳	۰/۴۶	۰/۸۵	۰/۶	۰/۲۸	۰/۵۴
	بوکان	۰/۴۱	۰/۴۶	۰/۲۲	۰/۷۴	۰/۷۷	۰/۲۴	۰/۴۷
	مهاباد	۰/۴۲	۰/۵۶	۰/۲۳	۰/۷۹	۰/۶۹	۰/۲۳	۰/۴۹
	میاندوآب	۰/۴۳	۰/۴۸	۰/۳۸	۰/۷۹	۰/۷۶	۰/۲۳	۰/۵۱
آذربایجان شرقی	تبریز	۰/۸۴	۰/۸۹	۰/۹۷	۰/۷۸	۰/۵۳	۰/۸۵	۰/۸۱
	مرآغه	۰/۶۱	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۷۱	۰/۵۷	۰/۲۳	۰/۵۵
	مرند	۰/۶۳	۰/۴۸	۰/۱۶	۰/۷۲	۰/۶۸	۰/۲۲	۰/۴۸
اردبیل	ارdebیل	۰/۴۳	۰/۵۳	۰/۶	۰/۷۵	۰/۶۹	۰/۲۶	۰/۵۴

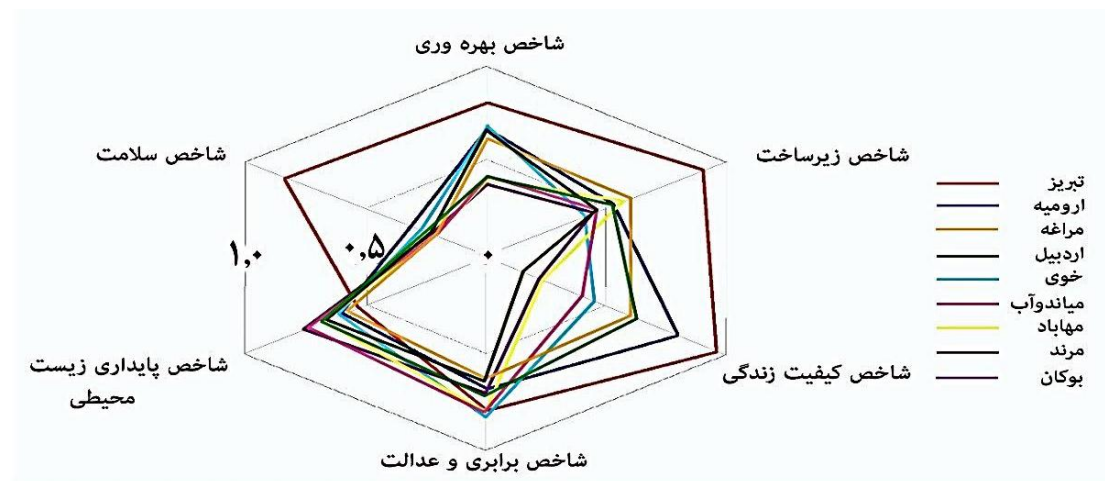
کمترین بیشترین

منبع: نگارندگان، آمار سال ۱۳۹۰



نمودار ۲. تغییرات ابعاد شاخص نیک‌بختی شهری ایرانی در شهرهای مورد پژوهی

منبع: نگارندگان



شکل ۲. رادار چارت ۶ بعد شاخص نیک‌بختی شهری ایرانی (ICPI)

منبع: نگارندگان

براساس جدول ۴ و نمودار و شکل ۲، تبریز به‌عنوان شهر نیک‌بخت در بعد بهره‌وری قرار دارد و شهرهای خوی، ارومیه، مرنده و مراغه در سطح متوسط این بعد هستند. از نظر مجموعه شاخص‌های مربوط به بعد زیرساخت، تبریز، مراغه، میاندوآب، ارومیه و اردبیل در رتبه‌های ۱ تا ۴ قرار دارند. همچنین در بعد کیفیت زندگی، امتیاز شهرهای تبریز، ارومیه و اردبیل، بیشتر از شهرهای دیگر است. در بعد برابری و عدالت، شهرهای خوی، میاندوآب و تبریز در صدر جدول رتبه‌بندی قرار دارند. در بعد پایداری زیست‌محیطی، شهرهای بوکان و میاندوآب بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین با ارزیابی شاخص‌های مربوط به بعد سلامت، شهر تبریز به‌عنوان شهر نیک‌بخت در این بعد قلمداد می‌شود. درنهایت، با محاسبه میانگین مجموع امتیاز ۶ بعد شاخص نیک‌بختی شهری ایرانی، امتیاز نهایی نیک‌بختی شهرها تعیین شد که براساس آن شهر تبریز به‌عنوان شهر نیک‌بخت، در سطح دوم نیک‌بختی با ۵ بعد شناخته شد. برای ارزیابی کلی و ارائه بهتر وضعیت نیک‌بختی شهرهای مورد پژوهش می‌توان میزان ICPI به‌دست‌آمده را براساس طبقه‌بندی برنامه اسکان بشر (UN-Habitat) به ۶ گروه نیک‌بختی (بسیار قوی تا بسیار ضعیف) طبقه‌بندی کرد (جدول ۵)

جدول ۵. سطح‌بندی نیک‌بختی شهری؛ پیشنهادی برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد

گروه	میزان امتیاز ICPI	سطوح نیک‌بختی شهری
گروه اول	$CPI \geq 0.900$	نیک‌بختی کامل و بسیار قوی (نیک‌بختی در ۶ بعد)
گروه دوم	$0.800 < CPI \leq 0.899$	نیک‌بختی قوی (نیک‌بختی در ۵ بعد)
گروه سوم	$0.700 < CPI \leq 0.799$	نیک‌بختی نسبتاً قوی (نیک‌بختی در ۴ بعد)
گروه چهارم	$0.600 < CPI \leq 0.699$	نیک‌بختی متوسط
گروه پنجم	$0.500 < CPI \leq 0.599$	نیک‌بختی ضعیف
گروه ششم	$CPI < 0.500$	نیک‌بختی بسیار ضعیف

منبع: برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳

براساس این طبقه‌بندی، در سطح نیک‌بختی قوی (نیک‌بختی در ۵ بعد) شهر تبریز، در سطح نیک‌بختی متوسط شهر ارومیه و در سطوح نیک‌بختی ضعیف و بسیار ضعیف، به‌ترتیب ۴ شهر مراغه، اردبیل، خوی، میاندوآب، و ۳ شهر میاندوآب، مرنده و بوکان قرار دارند. وضعیت هر یک از شهرهای مورد پژوهش در طبقه‌بندی سطح نیک‌بختی در جدول ۶ آمده است.

براین اساس، هیچ‌یک از شهرهای مورد پژوهش در سطح کامل و بسیار قوی نیک‌بختی شهری قرار ندارند. همچنین بیشترین تعداد شهرها در سطح پایین و بسیار پایین نیک‌بختی جای می‌گیرند. این موضوع نشان‌دهنده عدم تعادل فضایی، برابری و عدالت در برخورداری از امکانات و خدمات در شهرهاست. در نتیجه در برنامه‌ریزی‌های آتی، توسعه در اولویت نخست قرار دارد.

جدول ۶. گونه‌بندی شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر منطقه شمال غرب کشور براساس سطوح نیک‌بختی، ۱۳۹۰

گروه	سطح نیک‌بختی	شهرها
اول	نیک‌بختی کامل و بسیار قوی (نیک‌بختی در ۶ بعد)	-
دوم	نیک‌بختی قوی (نیک‌بختی در ۵ بعد)	تبریز
سوم	نیک‌بختی نسبتاً قوی (نیک‌بختی در ۴ بعد)	-
چهارم	نیک‌بختی متوسط (نیک‌بختی در ۳ بعد)	ارومیه
پنجم	نیک‌بختی ضعیف	مراغه، اردبیل، خوی و میاندوآب
ششم	نیک‌بختی بسیار ضعیف	مهاباد، مرند و بوکان

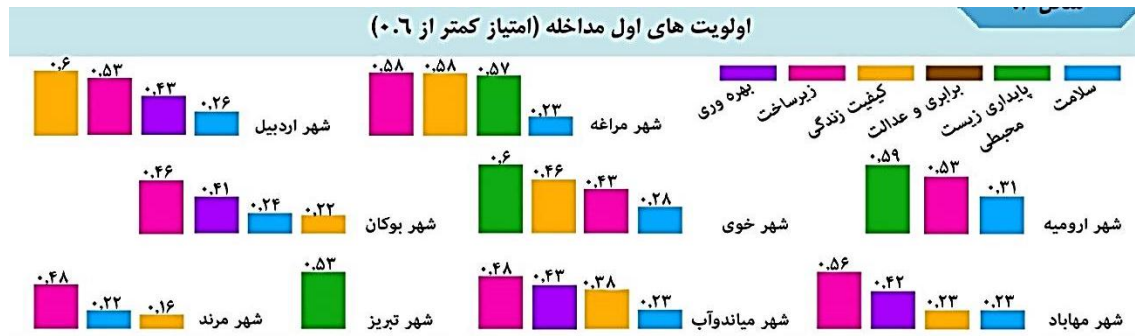
منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت شناخت توسعه شهرها به‌عنوان مرحله زیربنایی و آغازین برنامه‌ریزی‌های آتی توسعه، همچنین شاخص‌های مختلف سنجش توسعه، در پژوهش حاضر شاخص پیشرفته‌تری که جامعیت ندارد و معیارهای جدیدی را در ترکیبی جامع از توسعه برای کل جامعه شهری ارزیابی کرده، ارائه شده است. برای این منظور، رویکردهای مختلف توسعه و تبیین محدودیت‌ها و کفایت‌نکردن آن‌ها در طول زمان به‌ویژه با توجه به اجتماع‌محور بودن توسعه بررسی شده است. شاخص ترکیبی نیک‌بختی شهری با پایش جامع این نیک‌بختی، ابزار سیاست‌گذاری قوی برای مقامات شهری در تعیین بخش‌های مداخله، و اتخاذ سیاست‌های مناسب با قرارداد مردم در مرکز برنامه‌ریزی است؛ از این رو عملکرد شهرها در برخی جنبه‌ها خوب و در برخی دیگر ضعیف است. در این میان، به‌نظر می‌رسد شاخص CPI می‌تواند به یافتن این کمبودها و طرح راهکارهای رفع آن‌ها کمک شایانی کند. همچنین شهرها را به‌سوی توسعه‌ای متوازن و پایدار سوق دهد و بستر شکل‌گیری نیک‌بختی کامل و بسیار قوی را در شهر فراهم کند و در نتیجه آینده‌ای مطلوب را برای زندگی شهروندان رقم بزند.

برای رسیدن به نیک‌بختی کامل (نیک‌بختی در ۶ بعد) اولویت‌های اول مداخله‌ای (اولویت‌های با امتیاز کمتر از ۰.۶) در هر یک از شهرهای پژوهش در شکل ۳ ارائه شده است تا برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری، اقدامات اجرایی مناسب را در این شهرها صورت دهند.

براساس یافته‌های پژوهش، امتیاز نیک‌بختی (بر مبنای اطلاعات سال ۱۳۹۰) در میان شهرهای مورد پژوهش ناهمگون و نابرابر است. شهر تبریز در سطح قوی، شهر ارومیه در سطح متوسط و شهرهای خوی، مراغه، اردبیل، مهاباد، میاندوآب، مرند و بوکان در سطوح پایین‌تری از نیک‌بختی شهری قرار دارند. این موضوع بیانگر عدم تعادل و برابری در برخورداری از امکانات و خدمات شهری در میان شهرها، و تمرکز در شهرهای بزرگ است. براین اساس، شهرهایی با سطح بالای خدمات در سطوح بالای نیک‌بختی شهری قرار دارند. البته برخی خدمات، ماهیت ویژه و تخصصی دارند و ارائه آن‌ها تنها در شهرهای بزرگ مقدور و میسر است.



شکل ۳. اولویت‌های اول مداخله در شهرهای مورد پژوهش

منبع: نگارندگان

از میان شهرهای مورد پژوهش، بوکان، مهاباد و مرند در وضعیت نامطلوب و سطح بسیار ضعیف نیکبختی شهری قرار دارند. دلیل این امر، دوری از مرکز ثقل جغرافیایی و مرکزیت سیاسی و اجتماعی استان و عدم تعادل و برابری در پخشایش فضایی خدمات و فرصت‌های شهری است؛ بنابراین، شهرهای مذکور به عنایت ویژه‌ای نیاز دارند. در غیر این صورت، از نیکبختی شهری فاصله می‌گیرند. در نتیجه، بی‌تعادلی میان ابعاد نیکبختی شهری موجب جذب جمعیت، سرمایه، امکانات و فرصت‌ها و حرکت به سوی شهرهای دارای سطوح بالای نیکبختی خواهد شد. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر نابرابری بسیار میان شهرهای منطقه شمال غرب کشور است. بر این اساس به استثنای تبریز، باقی شهرها در سطح پایینی قرار دارند.

در پایان، اولویت‌های مداخله در هر شهر برای ارتقای سطح توسعه مشخص شده است. در میان اولویت‌های ذکر شده در شکل ۳، عملکرد بیشتر شهرها در ابعاد سلامت، زیرساخت و کیفیت زندگی ضعیف است؛ بنابراین، در برنامه‌ریزی‌های آتی این شهرها باید به اولویت‌های نخست مداخله در ابعاد سلامت، زیرساخت و کیفیت زندگی توجه کرد تا با سیاست‌گذاری و ارائه برنامه‌های عملیاتی مناسب بتوان عملکرد شهرها را ابتدا در ابعاد مذکور، سپس در ۳ بعد بهره‌وری، پایداری زیست‌محیطی و برابری و عدالت اجتماعی ارتقا داد. در نتیجه به سطح بسیار قوی نیکبختی شهری همراه با به‌گشت زندگی همگانی دست یافت.

منابع

۱. اکبری، نعمت و کیوان زاهدی، ۱۳۸۷، کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری چند شاخصه، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۲. تقوایی، مسعود و رعنا شیخ‌بیگللو، ۱۳۹۱، ابداع و معرفی مدل RALSPI؛ مدلی جدید جهت ارزیابی گزینه‌ها و سنجش سطح توسعه سکونتگاه‌ها، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱-۲۲.
۳. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن، استان آذربایجان شرقی.
۴. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن، استان آذربایجان غربی.
۵. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن، استان اردبیل.
۶. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، سالنامه آماری، استان آذربایجان شرقی.
۷. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، سالنامه آماری، استان آذربایجان غربی.
۸. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، سالنامه آماری، استان اردبیل.
۹. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸، ویژگی‌های شهر اسلامی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.

۱۰. حسین‌زاده‌دلیر، کریم و سعید ملکی، ۱۳۸۵، بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در استان ایلام، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۶۶، صص ۱-۲۶.
11. Akbari. N., and Zahedi., K., 2008, **Application of Multi-Criteria Ranking and Decision-Making**, First Edition, Publishing Organization of Municipalities and Village Administrations of Iran, Tehran. *(In Persian)*
 12. Taghvaei. M., and SheykhBeygloo. R., 2012, **Innovation and Presentation of RALSPI Model: A New Method for Evaluation Alternatives and Assessment of Development Level of Settlements**, Urban-Regional Studies and Research Journal, Vol. 4, No: 16, PP. 1-22. *(In Persian)*
 13. Statistical Center of Iran, 2011, **The Detailed Results of Population and Housing Census, East Azarbaijan Province**. *(In Persian)*
 14. Statistical Center of Iran, 2011, **The Detailed Results of Population and Housing Census, Western Azarbaijan Province**. *(In Persian)*
 15. Statistical Center of Iran, 2011, **The Detailed Results of Population and Housing Census, Ardabil Province**. *(In Persian)*
 16. Statistical Center of Iran, 2011, **Statistical Yearbook, East Azarbaijan Province**. *(In Persian)*
 17. Statistical Center of Iran, 2011, **Statistical Yearbook, Western Azarbaijan Province**. *(In Persian)*
 18. Statistical Center of Iran, 2011, **Statistical Yearbook, Ardabil Province**. *(In Persian)*
 19. Leadership Statement, 1999, **Islamic City Features at Islamic Revolution Leader**, www.khamenei.ir
 20. Atfield, R., and Barry, W., 1992, **International Justice and the Third World**, Rutledge, London.
 21. Abrahamson, K.V., 1997, **Paradigms of Sustainability in S**. Sorlin, Ed. The Road Towards Sustainable Baltic Region, the Baltic University Programmed, Uppsalla University.
 22. Professor Joseph E. Stiglitz, Professor Amartya Sen and Professor Jean-Paul Fitoussi, **Report by the Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress**, France, 2008.
 23. Department for Environment, Food and Rural Affairs, Uk, 2010, **Sustainable Development Index**, www.gov.uk/defra
 24. DorjiWangchuck, J., 1972, **Gross National Happiness Index**, Centre for Bhutan Studies and Gnh Research.
 25. Kearney, A.T, Foreign Affairs, and Chicago Council on Global Affairs, 2010, **Global City Index (Gci)**, Foreign Policy Magazine,
 26. Global Urban Indicators Database, Version 2, 1996, United Nations Human Settlements Programme (Un- Habitat).
 27. HosseinzadehDalir K., and Maleki S., 2006, **Review the Status of Human Development Indicators in Ilam**, Journal of Geography and Reginal Development, No. 66, PP. 1-26.
 28. Legatum Institute, Uk, 2008, **Legatum Prosperity Index Report**.
 29. Mahbub Ul Haq, 1990, **Undp, Human Development Reports Website**.
 30. New Economics Foundation, Uk, 2009, **National Well-Being Accounts Index**.
 31. Regional Research Institute, Usa, 2006, Prosperity Index Report.
 32. Sarrafi, M., 1992, **Planning Theory and Development**, Discussion Paper, No. 32, Vancouver, Ubc, School of Regional Planning.
 33. State of the World's Cities Report 2012/2013: **Prosperity of Cities**, United Nations Human Settlements Programme (Un-Habitat).
 34. Think-Tank Redefining Progress, 1994, **Genuine Progress Indicator (Gpi) Report**.
 35. United States Congress, 1937, Gdp Report.
 36. United Nations Development Programme, 1990, Human Development Indicators Report.
 37. United Nations Conference On Environment And Development (Also Known As Unced Or The Earth Summit, 1992.
 38. Unece, Oecd, Eurostat, 2005, Measuring Sustainable Development Report.
 39. Un Sustainable Development Commission, 2009, Redefining Prosperity.
 40. www.Un-Habitat.Org